

کوشی در جهت کشف ساختار سوره یس با رویکرد پدیدارشناسانه

حجت ترشیزی¹، عباس همایی²

(تاریخ دریافت مقاله: 98/5/23 - تاریخ پذیرش مقاله: 98/9/27)

چکیده

نگاه ساختاری به سوره‌های قرآن، در دوران معاصر مورد توجه مفسران و قرآن پژوهان قرار گرفته است. این جریان نوپا در عرصه تفسیر قرآن، نیازمند تقویت پشتوانه‌های نظری و کشف و تدوین روش‌های عملی کارآمد است. نوشتار حاضر کوشیده تا کارایی رویکرد پدیدارشناسانه را، به عنوان یک رویکرد نوین در تفسیر ساختاری قرآن، در کشف ساختار سوره یس بیازماید. این رویکرد می‌تواند با زدودن پیرایه پیش‌فرض‌های مبتنی بر نگاه غیر ساختارگرایانه انباشته در سنت تفسیری، که مخفیانه در فرایند تفسیر مداخله کرده و مانع نگاه ساختارگرایانه به قرآن می‌شود، در کشف ساختار سوره‌های قرآن کارآمد باشد. این مواجهه پدیدارشناسانه معلوم می‌سازد که موضوع محوری در سوره یس، «احصاء تمام چیزها در امام مبین» است. این سوره دارای پنج بخش است که بخش نخست آن حاکی از ارسال رسول الله (ص) جهت انذار قوم خود به این موضوع است. در بخش‌های بعدی سوره خداوند این مفهوم را در قالب بیان سرگذشت یک قوم در سیر بشریت، با بیان آیات الهی در دنیا در پدیده‌هایی طبیعی و با توصیف احوال قیامت در قیامت تبیین می‌کند. آخرین بخش سوره به عنوان یک جمع‌بندی، این مفهوم را در سراسر پهنه عالم به تصویر می‌کشد. بر اساس این تبیین‌ها، مفهوم احصاء در امام مبین دارای سه مولفه مفهومی است؛ به ثمر و سرانجام رساندن، احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار و شمولیت و فراگیری.

کلید واژه‌ها: تفسیر ساختاری، امامت، انذار، غرض سوره، تناظر آیات، سوره یس، پدیدارشناسانه

1. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

hojjat.torshizi@gmail.com

2. استاد گروه علوم قرآن و حدیث واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

info@hemamia.ir

1- بیان مساله

نگاه ساختاری به سوره‌های قرآن کریم، رویکرد نوینی است که در میان مفسران و قرآن پژوهان معاصر مورد توجه قرار گرفته است. در این رویکرد هر سوره به عنوان یک کلّ منسجم در نظر گرفته می‌شود که دارای یک موضوع محوری است و موضوعات خردتر مطرح در آن، همه مرتبط با هم و در جهت تبیین موضوع محوری، در یک نظام، سامان یافته‌اند. در این رویکرد تمامی آیات سوره در ارتباط با هم قرار دارند و واژگان، عبارات، آیات، سیاق‌ها و بخشهای سوره نیز در پرتو این ساختار و ارتباطاتی که با هم دارند، معنا می‌یابند.

رویکرد ساختارگرایانه به قرآن که در دوران معاصر از آثار اندیشمندانی مانند اشرف علی تهانوی، سید قطب، امین احسن اصلاحی و سعید حوئی آغاز گردیده است، جریانی نوپا در عرصه تفسیر قرآن محسوب می‌شود که هنوز نیازمند تقویت پشتوانه‌های نظری و آزمودن روش‌های مختلف در جهت کشف و تدوین روش‌های کارآمد است. از طرفی این رویکرد خود با چالش‌هایی روبرو است که پاسخ‌های قابل قبول و فراخور جایگاه والای قرآن کریم در نگاه مسلمانان را می‌طلبد. چالش‌هایی مانند تنوع موضوعات مطرح شده در سوره‌ها، نبود معیار و روش اطمینان‌بخش برای کشف ساختار سوره‌ها و عدم استحکام پیش‌فرض‌های نظری. (نک؛ حسینی، سراسر اثر)

از همین رو پژوهش حاضر در جهت فراهم آوردن پاسخی برای این چالش‌ها و تقویت پشتوانه‌های نظری نگاه ساختاری به سوره‌های قرآن و ارائه روش‌های عملی برای آن، کوشیده تا رویکرد پدیدارشناسانه را به عنوان یک رویکرد نوین در تفسیر ساختاری قرآن، به کار بندد و کارایی این رویکرد را در کشف ساختار سوره یس بیازماید. کاربست این رویکرد به این نتیجه انجامیده که در نگاه نخست آیات سوره یس به پنج دسته قابل تقسیم است. هر دسته از آیات در حیطه مشخص و متفاوت با حیطه سایر بخش‌های سوره به موضوع خود پرداخته است. همچنین این رویکرد نشان می‌دهد موضوعات این پنج دسته

از آیات در ارتباط نظام‌مند با یکدیگر و گرد یک محور در جهت تبیین موضوع اصلی سوره ساختار یافته‌اند.

2- رویکرد پدیدارشناسانه در مواجهه با قرآن

پدیدارشناسی یا فنومنولوژی¹ به معنای تحت‌اللفظی‌اش شناخت پدیدارها به معنای نمودها یا ظهورات چیزها یا چیزها آنچنان که در تجربه ما نمودار می‌شوند، است. (اسمیت، 13) در معنای اصطلاحی پدیدارشناسی سنتی فلسفی است که به دنبال تلاش‌های فیلسوف آلمانی ادمووند هوسرل² (1859-1938م) نخستین بار به عنوان یک روش دقیق و جامع تفکر شناسانده شد. (ریخته‌گران، 3) پدیدارشناسی به بررسی ساختارهای انواع گوناگون تجربه آگاهانه، چه تجربه از اعیان خارجی و چه تفکر، عاطفه، اراده و عمل، می‌پردازد. (اسمیت، 19)

رویکرد پدیدارشناسی در مقابل رویکرد طبیعی³ معنا می‌یابد. رویکرد طبیعی، رویکردی آغازین و بنیادی است که در آن انسان از دیدگاه پیش‌داشت⁴ خود، که شامل پیش‌داوری‌ها و پیش‌فهم‌هایی است، با واقعیت‌ها و گونه‌های مختلف اعیان خارجی مواجه می‌شود. (ساکالوفسکی، 99) در رویکرد طبیعی، تجربه آگاهانه با باورهای ضمنی و فرض‌های از پیش بدیهی انگاشته شده همراه است. این باورهای ضمنی و از پیش بدیهی انگاشته شده که بر فهم و تلقی انسان از واقعیت‌های خارجی تاثیر گذار هستند، نه تنها در علوم مختلف مورد پذیرش قرار گرفته‌اند بلکه در زندگی روزمره نیز نفوذ پیدا کرده‌اند، از همین رو این رویکرد را رویکرد طبیعی می‌نامند. در مقابل در رویکرد پدیدارشناسی، دور بودن تجربه آگاهانه از پیش‌فهم‌ها و پیش‌فرض‌ها مورد تاکید قرار می‌گیرد. بر اساس این رویکرد به جای آن‌که اجازه دهیم نظریات پیش‌انگاشته تجربه ما را شکل دهند، تجربه باید تعیین

1. Phenomenology
2. Edmund Husserl
3. natural attitude
4. default

کننده نظریه‌های ما باشد. (زهاوی، 116) از منظر دیگر می‌توان گفت پدیدارشناسی می‌کوشد تا با کنار نهادن پیش‌فرض‌ها و پرهیز از توضیح علی و سایر تبیین‌های دیگر، توصیفی دقیق از آن‌چه مستقیماً در حوزه آگاهی قرار می‌گیرد، ارائه دهد. (ربانی گلپایگانی، 23)

تغییر نگرش از رویکرد طبیعی به سوی رویکرد پدیدارشناسانه، فروکاست پدیدارشناسی¹ نامیده می‌شود. فروکاست پدیدارشناسی نیازمند آن است که کلیه معارف نظری، فرضیه‌ها، پیش‌فهم‌ها، پیش‌داوری‌ها و آن‌چه دیگران درباره شیء مورد مطالعه گفته‌اند، که در رویکرد طبیعی از دریچه آن‌ها با واقعیت‌ها مواجه می‌شویم «تعلیق» شود. در تعلیق یا اپوخه²، تمام باورها و پیش‌فرض‌های موجود در رویکرد طبیعی در برانتز قرار می‌گیرد و این به معنای تعلیق هر گونه حکم و تصدیقی است که مقتضی اعتقاد ما به چگونگی تحقق وجودی اشیاء است. (ریخته‌گران، 38) تعلیق یا اپوخه به معنای نفی واقعیت یا مورد شک قرار دادن آن نیست بلکه صرفاً به معنای بی‌پیش‌فرض‌بودگی³ و بی‌طرفی در مواجهه با واقعیت است که کمک می‌کند تا بتوان توجه دقیق و مستقیم‌تری به واقعیت داشت تا امکان نزدیک شدن به واقعیت و افشای معنای حقیقی آن فراهم شود. (زهاوی، 118)

رویکرد پدیدارشناسانه می‌تواند با زدودن پیرایه پیش‌فهم‌ها و پیش‌فرض‌ها، در کشف ساختار سوره‌های قرآن کارآمد باشد. چرا که به دلیل غالب نبودن گفتمان ساختارگرایی در میان مفسران پیشین، عمده پیش‌فرض‌های متداول در سنت تفسیری بر پایه نگاه غیر ساختاری به آیات قرآن شکل گرفته‌اند. این پیش‌فرض‌ها، که مخفیانه در فرایند تفسیر مداخله می‌کنند و باعث می‌شوند تا مفسر ناآگاهانه در جهت تطبیق مدلول آیات بر آن‌ها بکوشد، در اذهان مفسران معاصر مانند حجابی مانع آن می‌شود تا ایشان بتوانند نگاهی بر چهره ساختارمند قرآن کریم داشته باشند و راهی به سوی کشف آن ساختار بگشایند.

در این روش محقق با حرکت در قصر یک سوره بخش‌های مختلف آن را می‌شناسد

1. phenomenological reduction
2. Epoche
3. Presuppositionlessness

موضوعات جدید را در آن کشف کرده و کشفیات خود را گزارش می دهد و پس از آن به استدلالهای متناسب برای آن کشفیات گزارش شده می پردازد.

پژوهش حاضر از رویکرد پدیدارشناسانه در مواجهه با آیات سوره یس بهره برده است. به این معنا که تلاش شده تا پیش فرضهای بنیادین در تفسیر ساختاری قرآن مانند توقیفی بودن چینش آیات و پیش فهمهای رایج در سنت تفسیری پیرامون آیات این سوره که بر اثر قرن ها فعالیت تفسیری و کلامی انباشته شده در «تعلیق» قرار بگیرد تا داده هایی با واسطه های کمتر از آیات قرآن گردآوری شود. استقلال این رویکرد از پیش فرضها و اتکای آن بر ظاهر آیات قرآن، سبب افزایش اطمینان بخش بودن نتایج آن می شود.

3- کشف ساختار سوره یس

3-1- دسته بندی آیات سوره یس

دسته بندی آیات سوره یس، با یک نگاه کلی به فرازهای سوره و بدون پرداختن به جزئیات آن، انجام می گیرد. هر دسته آیه در حیطه ای مشخص و متفاوت با سایر آیات به موضوع خود می پردازد. نشانه گان لفظی سوره، ارتباط معنایی بین آیات و تغییر در موضوع آیات و حیطه ای که به آن می پردازند، ملاک هایی است که در بخش بندی آیات می توان از آن ها بهره برد. بررسی اجمالی آیات، برای هر دسته از آیات عنوانی ابتدایی به دست می دهد. سوره با واژه غریب «یس» آغاز می شود که نام خود را نیز از آن وام گرفته است. بعد از آن با سوگند به «قرآن حکیم» مخاطب خود را از جمله رسولان و بر صراط مستقیم می داند (یس، 2-4) که روشن می سازد، این فرد رسول مخاطب سوره، رسول الله (ص) است. در آیات بعد سخن از تنزیل قرآن توسط خداوند عزیز و رحیم به میان آمده (یس، 5) و در آیه شش، هدف از ارسال رسول الله (ص) و تنزیل قرآن انذار قومی معرفی شده که پدرانشان انذار نگشته و از غافلان هستند. خداوند در آیات بعدی به توصیف ویژگی ها و رفتارهای این قوم می پردازد. (یس، 7-12) از آیه 13 خداوند با عبارت «وَأَضْرِبْ لَهُمْ

مَثَلًا» سخن پیرامون انذار قوم توسط رسول الله (ص) را به پایان برده و با تغییر آشکار فضای بحث، به بیان سرگذشت یکی از اقوام گذشته می‌پردازد. بنابراین اولین بخش از آیات سوره یس، آیات 1 تا 12 این سوره است که به موضوع ارسال رسول الله (ص) جهت انذار قوم می‌پردازد.

آیات بعدی سرگذشت قومی را، بی آن‌که به زمان و مکان زندگی ایشان و حتی نام رسولان ایشان اشاره کنند، روایت می‌کنند. این گسست موضوعی به روشنی دو بخش اول و دوم سوره یس را از یکدیگر جدا می‌کند. خداوند در آیه 13 سوره یس از رسول الله (ص) می‌خواهد تا سرگذشت «اصحاب قریه» ای را برای «ایشان» نقل کند. بر اساس آن که در آیات پیشین خداوند قوم رسول الله (ص) را مورد خطاب قرار داده بود، می‌توان مراد خداوند از «ایشان» را قوم رسول الله (ص) دانست.

بر اساس آیات بخش دوم سوره یس، خداوند رسولانی را به سوی اصحاب آن قریه ارسال کرد. اما آن قوم رسولان را تکذیب کرده و آنان را به عذابی دردناک تهدید می‌کنند. (یس، 14-16) در مقابل فردی که خداوند از او با عبارت «رجل یسعی» یاد می‌کند، مردم قوم را به تبعیت از رسولان دعوت می‌کند. (یس، 20-25) آیات بعدی قرار گرفتن رجل یسعی در بهشت و نزول عذاب بر قوم او را بیان می‌کنند (یس، 26-29) و در مقام بیان یک قانون کلی، هلاکت را سرانجام تمام کسانی می‌دانند که دست به استهزاء رسولان بزنند. (یس، 30-32) در آیات بعد از آیه 32 سوره، خداوند به بیان احیاء زمین مرده و رویاندن دانه و ایجاد باغ‌ها و چشمه‌ساران در آن به عنوان یک نشانه پرداخته است. (یس، 33-36) موضوعات مطرح شده در این آیات نشان می‌دهد که دیگر بیان سرگذشت قوم رجل یسعی به پایان رسیده است. بر این اساس دومین دسته از آیات سوره یس، آیات 13 تا 32 این سوره هستند که به شرح سرگذشت یکی از اقوام پیشین می‌پردازند.

سومین دسته از آیات سوره یس، شامل آیات 33 تا 47 این سوره است که نه به موضوع ارسال رسول الله (ص) جهت انذار قوم ایشان پرداخته و نه سرگذشت قوم «رجل

یسعی» را پی می‌گیرد. بلکه در این بخش از سوره یس، خداوند در سه گروه از آیات که با عبارت «وَ آيَةٌ لَهُمْ» شروع می‌شوند، نشانه‌هایی را در طبیعت برای قوم رسول الله (ص) معرفی می‌کند.

احیاء زمین مرده، آمد و شد شب و روز و خورشید و ماه و حمل نیاکان انسان‌ها در کشتی نشانه‌های سه گانه‌ای هستند که خداوند در این بخش از سوره به توضیح آن‌ها می‌پردازد. موضوعات تمام این نشانه‌های سه‌گانه پدیده‌های طبیعی است که در دنیا رخ داده و در حوزه‌ای قرار دارند که می‌تواند مورد مطالعه انسان قرار گیرد. در انتهای این بخش از سوره و در آیات 45 تا 47 خداوند به بیان اعراض کافران از این نشانه‌های الهی می‌پردازد. بر این اساس سومین بخش از آیات سوره یس شامل آیات 33 تا 47 این سوره است که به تبیین برخی از نشانه‌های خداوند در دنیا برای قوم رسول الله (ص) می‌پردازد.

چهارمین دسته آیات، که از آیه 48 آغاز می‌شود، به توصیف قیامت و سیر حوادث آن می‌پردازد نه دنیا و پدیده‌های طبیعی. همین تغییر حیطه بحث خداوند، این آیات را از آیات دسته سوم متمایز می‌کند. دسته چهارم آیات سوره یس در پاسخ به کلام گروهی شکل می‌گیرد که می‌گویند؛ «مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (یس، 48) خداوند در پاسخ به قسمت اول از کلام این گروه که با طرح سوال «مَتَى هَذَا الْوَعْدُ» در برپایی وعده خداوند، که با توجه به آیات بعدی معلوم می‌شود مراد از آن قیامت است، تردید وارد می‌کنند، به توصیف صحنه‌های سخت و شدید قیامت می‌پردازد. با قرار گرفتن در چنین صحنه‌هایی است که این گروه پی به حقانیت وعده خداوند خواهند برد و خواهند گفت: «هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ». (یس، 52) در آیات بعدی نیز خداوند سرانجام مومنان و کافران در قیامت را توصیف می‌کند. (یس، 53-68)

خداوند بعد از توصیف قیامت و بیان سرانجام مومنان و کافران در آن، در آیه 69 سوره از رسول الله (ص) و حقانیت کلام ایشان دفاع می‌کند؛ «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ

هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ» و در آیه 76، که آخرین آیه این بخش از سوره یس است، به دلجویی از رسول الله (ص) در قبال قول «ایشان» پرداخته است؛ «فَلَا يَخْزُنُكَ قَوْلُهُمْ». این دو آیه نشان می‌دهد که گویندگان آیه 48 سوره گروهی از قوم رسول الله (ص) هستند و خداوند آیات 69 تا 76 سوره یس را در پاسخ به قسمت دوم کلام این گروه در آیه 48، یعنی عبارت «إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»، که حاکی از تکذیب رسول الله (ص) توسط قوم ایشان است، فرموده است. توجه به آیه 48 در فضای کلی سوره یس که عبارت از سخن گفتن خداوند با رسول الله (ص) درباره قوم ایشان است نیز این نتیجه‌گیری را تأیید می‌کند. بنابراین این آیات نیز در ارتباط با آیه 48 سوره هستند و در بخش چهارم آیات سوره جای می‌گیرند.

خداوند در این آیات به دلجویی از رسول الله (ص) به دلیل زیر سوال بردن صدق ایشان توسط قوم، که متناظر تکذیب رسولان توسط قوم رجل یسعی است، می‌پردازد. خداوند تکذیب رسول الله (ص) را همانند رفتارهای دیگر این قوم مطرح می‌کند؛ ایشان به آفرینش و رام گرداندن چارپایان توسط خدا هیچ توجهی نمی‌کنند و غیر از الله خدایان دیگری را به پرستش می‌گیرند. (یس، 75-71) در تمام این موارد قوم ایشان با دیدن نعمات و نشانه‌هایی مسلم از خداوند، رفتار درستی نشان نمی‌دهند. همان‌گونه که با شنیدن انذار رسول الله (ص) و «قرآن مبین» انذار نمی‌پذیرند. (یس، 70-69) در حقیقت بی‌بصیرتی قوم نسبت به انذار رسول الله (ص) و نشانه‌های خداوندی که در پیرامون ایشان قرار گرفته است، نتیجه «وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» است که خداوند در آیات ابتدایی سوره به آن اشاره کرد. در پایان این بخش نیز خداوند به رسول خویش اطمینان می‌دهد که آنچه را که پنهان و آنچه را که آشکار می‌کنند، می‌داند. (یس، 76)

آخرین دسته از آیات سوره یس شامل آیات 77 تا 83 این سوره است. این دسته از آیات به لحاظ دو ویژگی از دسته‌های پیشین متمایز است. نخست آن‌که دایره مخاطبان این آیات گسترش یافته و نه تنها قوم رسول الله (ص) بلکه تمام انسان‌ها را شامل شده است؛

«أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ». (یس، 81-77) در این بخش از آیات خداوند انسان را مواخذه می‌کند که چگونه به ستیزه‌جویی برخاسته و آفرینش خود را فراموش می‌کند و قدرت خداوندی را که نخستین بار او را آفریده و در درخت سبز آتش نهاده و آسمان‌ها و زمین را آفریده، در زندگی بخشیدن به استخوان‌های پوسیده ناکافی می‌داند. (یس، 81-77)

از طرف دیگر حیطه این دسته از آیات به قومی در گذشته، آیات خداوندی در دنیا یا وقایع قیامت محدود نمی‌شود. بلکه در یک نگاه کلی و در حیطه‌ای که شامل تمام حیطه‌هایی است که تا قبل از آن در سوره مطرح شده، خداوند خود را قادری معرفی می‌کند که در تمام پهنه عالم با کلام او هر چیزی موجود می‌شود و ملکوت همه چیز در دست اوست. (یس، 83-82) این دو وجه تمایز سبب می‌شود تا این دسته از آیات به عنوان بخش مستقلی در کنار سایر بخش‌های سوره یس قلمداد شود.

بنابراین آیات سوره یس به پنج بخش قابل تقسیم هستند که هر کدام از این بخش‌ها دارای موضوع مشخصی است؛ ارسال رسول الله (ص) برای انذار قوم، بیان سرگذشت یک قوم در گذشته، توصیف برخی پدیده‌های دنیایی، توصیف احوال مومنان و کافران در قیامت و در نهایت اشاره به اداره تمام عالم توسط خداوند. جدول شماره (1) نتیجه حاصل از بخش‌بندی سوره یس را نشان می‌دهد.

جدول شماره (1) - بخش‌بندی آیات سوره یس

بخش‌های سوره	محدوده آیات	عنوان ابتدایی هر بخش
اول	12_1	لِنُنذِرَ قَوْمًا...؛ ارسال رسول الله (ص) برای انذار
دوم	32_13	وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا...؛ بیان سرگذشت قومی در گذشته
سوم	47_33	وَآيَةٌ لَهُمْ...؛ توصیف برخی پدیده‌های دنیایی
چهارم	76_48	هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ...؛ توصیف قیامت
پنجم	83_77	بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ...؛ اداره تمام عالم توسط خداوند

3-2_ ارتباط بین بخش‌های سوره یس

با بررسی یازده آیه از دوازده آیه ابتدایی این سوره، به نظر می‌رسد که سخن خداوند درباره ارسال رسول الله (ص) و ماموریت انذار ایشان سخن کاملی است و هیچ بخش از آن فروگذار نشده است و مخاطب این آیات خود را با پرسش بدون پاسخی روبرو نمی‌بیند؛ «خداوند رسول الله (ص) را از جمله رسولان و بر صراط مستقیم قرار داد و قرآن را تنزیل فرمود تا رسول الله (ص) قوم خویش را انذار دهند. قومی که پدرانشان انذار نشده و از غافلان هستند. این قوم به دو گروه اکثریت و اقلیت تقسیم می‌شوند. خداوند به دلیل محقق شدن «قول»¹ اکثریت این قوم را از جمله انذارناپذیران معرفی می‌کند. در آیات 8 تا 10 خداوند به تفصیل به علت نپذیرفتن انذار اکثریت این قوم می‌پردازد. ما غل‌هایی بر گردن‌های ایشان تا چانه‌هایشان قرار دادیم و سدی در پیش رو و پشت سرشان نهادیم. در نتیجه چه رسول الله (ص) ایشان را انذار دهند و چه انذار ندهند، برای ایشان برابر است و ایمان نخواهند آورد. در مقابل این اکثریت انذارناپذیر، خداوند پذیرش انذار را محصور در گروه اقلیتی می‌داند که دارای دو صفت تبعیت از ذکر و خشیت نهانی از خداوند رحمان هستند. خداوند نیز از طریق رسول الله (ص) به ایشان بشارت به مغفرت و اجر کریم می‌دهد.» (یس، 1-11)

اما بخش اول سوره یس با آیه یازده به پایان نمی‌رسد و قبل از آیه سیزده که آیه آغازین قسمت دوم سوره است، آیه دوازده سوره قرار گرفته است. در این آیه خداوند احیاء مردگان، کتابت اعمال و «احصاء تمام چیزها در امام مبین»² را به خود نسبت می‌دهد.

1. با توجه به رویکرد پدیدارشناسانه، مفاهیم مطرح در سوره تا جایی که تقشی در فرایند کشف ساختار سوره نداشته باشند، مورد بررسی قرار نمی‌گیرند و حتی تا جای ممکن از ترجمه آن‌ها خودداری می‌شود. زیرا در فرایند ترجمه پیش‌فهم‌ها و عادت‌واره‌های تفسیری دخیل هستند و این موضوع مانع از نزدیک شدن به تعلیق پدیدارشناختی است.

2. با توجه به پایبندی به رویکرد تعلیق پدیدارشناسانه، سعی شده تا از برگردان جزء به جزء این عبارت به زبان فارسی احتراز شود و تا جای ممکن این عبارت به عنوان یک واحد کلامی در نظر گرفته شود. در ادامه مقاله کوشش‌هایی جهت کشف معنای کلی این عبارت فارغ از معنای هر کدام از اجزای سازنده آن انجام خواهد گرفت.

اما مفاد این آیه چگونه با آیات قبلی این دسته ارتباط برقرار می‌کند؟ پاسخ این پرسش در گرو یافتن مفهومی در ارتباط با انذار قوم توسط رسول الله (ص) است که در بیان آیات یازده‌گانه ابتدای سوره یس به آن پرداخته نشده باشد. آنچه در ارتباط با ماموریت انذار قوم توسط رسول الله (ص) تا قبل از آیه دوازده مفعول مانده است، موضوع انذار است. در ماموریتی که خداوند در سوره یس برای رسول الله (ص) قرار می‌دهد، ایشان مامور بودند تا قوم خود را نسبت به چه حقایقی انذار دهند؟ با در نظر گرفتن مفاد آیه دوازده به عنوان موضوع انذار رسول الله (ص)، این آیه در یک ارتباط حکیمانه با آیات قبل از خود قرار می‌گیرد و در مجموع تصویر کامل و منسجمی از دوازده آیه ابتدایی سوره یس ترسیم می‌شود.

بر این اساس دسته اول از آیات سوره یس حاکی از ارسال رسول الله (ص) جهت انذار قوم به بخش‌های سه‌گانه آیه دوازده یعنی احیاء مردگان، کتابت اعمال و احصاء تمام چیزها در امام مبین است. در حقیقت ماموریتی که خداوند در سوره یس بر عهده رسول الله (ص) قرار می‌دهد، یک ماموریت خاص است. ایشان در سوره یس مامور به یک انذار ویژه می‌شوند و نه مطلق هر انذار؛ انذار به مقولات سه‌گانه آیه 12 سوره یس.

اما ایمان به دو بخش اول این آیه یعنی زنده شدن مردگان در قیامت و کتابت اعمال انسان‌ها، محدود به گروه اقلیت از قوم رسول الله (ص) نیست. ایمان به برپایی قیامت و رسیدگی به اعمال انسان‌ها در آن، از اصول دین اسلام و مورد پذیرش قاطبه مسلمانان است. نه تنها امت اسلام بلکه پیروان سایر ادیان توحیدی نیز به این دو موضوع باور دارند. در حالی که در آیات ابتدایی سوره یس ایمان نیاوردن اکثریت قوم رسول الله (ص) و برابر بودن انذار یا عدم انذار ایشان مطرح است. بنابراین در ماموریتی که آیات ابتدایی سوره یس حاکی از آن است، باید مهم‌ترین موضوع انذار رسول الله (ص) را که اکثریت قوم ایشان به آن ایمان نیاوردند، در بخش سوم آیه دوازده جستجو کرد. به بیان دیگر موضوع اصلی این دسته از آیات را می‌توان «انذار به احصاء تمام چیزها در امام مبین» دانست.

اما احصاء تمام چیزها در امام مبین به چه معنا است؟ مفسران قرآن کریم در این زمینه

معانی متعدد و متفاوتی را محتمل دانسته‌اند.¹ رویکرد تعلیق پدیدارشناسانه ایجاب می‌کند با در تعلیق قرار دادن تمام نقل قول‌های مفسرانه درباره این مفهوم،² تنها بر اساس آنچه از آیات سوره یس برای مخاطب آن پدیدار می‌شود در جستجوی معنای این عبارت بود. با توجه به این که این موضوع، اصلی‌ترین موضوع اندازی است که در آیات ابتدایی سوره یس بر عهده رسول الله (ص) گذارده شده و از طرف دیگر از میان قوم ایشان تنها کسانی که دارای دو صفت ممتاز «تبعیت از ذکر» و «خشیت نهانی از خداوند» باشند، مخاطبان این انذار هستند، این عبارت باید دارای معنایی عظیم و مرتفع باشد. اما این جمله آخرین جمله از بخش اول آیات سوره یس است و مطالعه پدیدارشناسانه آیات این بخش از سوره یس و ارتباطات حاکم بر آن‌ها، پرده از معنای این عبارت بر نمی‌دارد و آن را از ابهام خارج نمی‌سازد.

این ابهام اقتضای طرح یک مثال برای روشن شدن این معنا را فراهم می‌آورد. بخش دوم سوره یس نیز، با طرح یک مثال آغاز می‌گردد و خداوند با عبارت «وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا» سرگذشت قومی را به عنوان یک مثال بیان می‌کند. بنابراین می‌توان دسته دوم آیات در سوره یس را مثالی جهت تبیین موضوع مطرح شده در دسته اول آیات این سوره در نظر گرفت و به این ترتیب این دو دسته آیات را در ارتباط با هم دانست.³

مقایسه آیات این دو بخش از سوره نیز تناظر اساسی و شباهت‌های برجسته و قابل توجهی را بین دسته اول آیات و مثال مطرح شده در دسته دوم نشان می‌دهد. ماجرای اصلی در هر دو دسته از آیات، ارسال رسول به سوی مردمان یک قوم است. نیز قوم

1. مانند لوح محفوظ (زمخشری، 7/4؛ طوسی، 447/8؛ ملاصدرا، 35/5). کتاب اعمال (طبرسی، 654/8). علم خداوند (طبرسی، 654/8؛ مراغی، 148/22). اما این معانی علاوه بر این که با یکدیگر سازگاری ندارند با سایر معارف قرآنی نیز همخوانی ندارند (برای مشاهده برخی از این ناسازگاری‌ها رک: آلوسی، 391/11؛ طباطبایی، 67/17) و نوعاً نقل قولی از مفسران متقدم است و بر پایه استدلال بنا نشده‌اند. (نک: طبری، 100/22؛ قرطبی، 13/16)

2. باید توجه داشت که در این رویکرد هیچ قضاوتی نسبت به صحت و سقم این اقوال صورت نمی‌گیرد. بلکه حکم نسبت به صحت و سقم این اقوال در تعلیق قرار می‌گیرد.

3. مولف تفسیر المیزان نیز که دسته اول آیات سوره یس را شامل آیات 1 تا 12 و دسته دوم آیات سوره را شامل آیات 13 تا 32 می‌داند، این گونه بین این دو دسته از آیات سوره ارتباط برقرار کرده است. (طباطبایی، 72/17)

رسولان مانند قوم رسول الله (ص) به دو گروه اکثریت انذارناپذیر و اقلیت انذارپذیر، که تنها شامل فردی است که خداوند با عنوان «رجل یسعی» از او یاد می‌کند، تقسیم می‌شوند. «رجل یسعی» نیز مانند انذارپذیران قوم رسول الله (ص) دارای دو صفت تبعیت و خشیت نهانی از خداوند رحمان است؛ دعوت او از مردم به تبعیت از رسولان نشان می‌دهد خود او نیز اهل تبعیت از رسولان بوده است. همچنین در کلام او خشیت نسبت به خداوند رحمان آشکار است.¹ سرانجام او نیز دقیقاً منطبق با سرانجامی است که خداوند به انذارپذیران قوم رسول الله (ص) بشارت داده است. یعنی مورد مغفرت قرار گرفتن و بهره‌مندی از اجر کریم. (یس، 27) مطابق با دو قسمت اول آیه دوازده که به احیای مردگان و کتابت اعمال ایشان اشاره می‌کند، «رجل یسعی» که توسط قوم خویش به شهادت می‌رسد، (نک: طباطبایی، 79/17) از حیات دنیایی به حیات والاتری وارد می‌شود² و خداوند بعد از کتابت اعمالش او را در بهشت قرار می‌دهد.

رویکرد پدیدارشناسانه به این دو فراز از سوره یس، تناظر و تشابه بسیار زیادی را روشن ساخت تا جایی که می‌توان گفت که دسته دوم آیات مثالی برای تبیین موضوعات مطرح شده در دسته اول آیات است و ارتباط شدید و حکیمانه‌ای بین این دو دسته از آیات وجود دارد. این ارتباط نخستین نشانه‌های ساختارمندی سوره یس را آشکار می‌کند. چرا که ساختار داشتن سوره اقتضا می‌کند که تمام بخش‌های سوره در ارتباط با هم باشند و در سوره به عنوان یک متن مستقل و تام، مفاهیم مطرح شده در ابهام باقی نمانند و حتماً در همان سوره توضیح یابند. خصوصاً برای مفاهیمی مانند مفهوم «احصاء در امام مبین» که تنها یک بار در قرآن ذکر شده است³ و نمی‌توان از قسمت‌های دیگر قرآن نیز برای کشف این مفهوم بهره مستقیمی گرفت.

1. «رجل یسعی» در محاجه با قوم خویش، در بیان بی‌فایده و نافرجام بودن پرستش الهه‌ها، خشیت خود نسبت به خداوند رحمان را نشان می‌دهد که اگر خداوند رحمان گزندی را متوجه او سازد، الهه‌ها نه توان شفاعت در نزد او را دارند و نه می‌توانند نجات‌بخش او باشند؛ «أَتَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنْهُمْ شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً وَلَا يُنْقِذُونَ (یس، 23).

2. «وَلَا تُحْسِنُ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَالاً بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (آل عمران، 169).

3. شبیه‌ترین آیه «کل شیء احصیناه کتاباً» (نبأ، 29) است که در آن مفهوم «امامت» به کار نرفته است و ابتدائاً دلیلی نیز بر مترادف بودن دو واژه کتاباً و اماماً وجود ندارد.

بر اساس این رویکرد یافتن مفهوم «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در قسمت اول سوره، نیازمند جستجو جهت نمایان ساختن مفهوم متناظر آن در مثال مطرح شده در قسمت دوم سوره است. جدول شماره (2) تناظر حاکم بین عبارات دو دسته اول آیات سوره یس را نشان می‌دهد. توسعه این تناظر شبکه‌ای بین این دو دسته از آیات تنها به این شکل ممکن است که قسمت سوم آیه 12 را متناظر با آیات 28 تا 32 بدانیم. به بیان دیگر این رویکرد مستلزم آن است که مفهوم «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در این آیات توضیح داده شده باشد.

جدول شماره (2): تناظر حاکم بین دو دسته اول آیات سوره یس

آیات بخش اول	آیات بخش دوم
آغاز بیان با قرار دادن رسول الله (ص) در زمره رسولان؛ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (3)	آغاز ماجرا با ارسال مرسلین به سوی قریه؛ أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ (13)
ارسال رسول الله (ص) برای انذار قوم؛ لِنُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤَهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ (6)	ارسال رسولان برای ابلاغ مبین؛ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (17)
بی فایده بودن انذار رسول الله برای اکثریت قوم؛ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (7)	بی ثمر بودن دعوت مرسلین برای اکثریت اهل قریه؛ قَالُوا مَا أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنزَلَ الرَّحْمَنُ مِن شَيْءٍ إِن أَنتُمْ إِلَّا تَكْذُوبُونَ (15)
اکثریت قوم نتوانستند حقانیت دعوت رسول الله (ص) را بپذیرند؛ وَجَعَلْنَا مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (9)	اکثریت قوم نتوانستند حقانیت دعوت رسولان را بپذیرند؛ قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجِمَنَّكُمْ وَلَنَمَسَّنَّكُم مِّنَ عَذَابِ آلِيمٍ (18)
محدود ساختن بهره‌مندی از انذار به افرادی با ویژگی‌های خاص؛ إِنَّمَا تُنذِرُ... (11)	محدود شدن پاسخ مثبت به دعوت مرسلین به یک فرد خاص؛ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَّسْعَى... (20)
اتباع از ذکر، ویژگی اول انذارپذیران؛ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ (11)	دعوت «رجل یسعی» از قومش برای اتباع از رسولان؛ قَالَ يَا قَوْمِ أَتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (20)
خشیت خدای رحمان در نهان، ویژگی دوم انذارپذیران؛ ...وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ (11)	بیم «رجل یسعی» از عذاب خدای رحمان در صورت پرداختنش به الهه‌ها؛ إِن يُرِذِنِ الرَّحْمَنُ بُضْرًا (23)

بشارت انذارپذیران حقیقی به مغفرت و اجر کریم؛ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ (11)	غفران و تکریم الهی برای «رجل یسعی»؛ بما غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ (27)
احیاء مردگان و کتابت اعمال؛ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ ءَاتَرَهُمُ (12)	شهید شدن رجل یسعی و قرار گرفتن در بهشت؛ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (26) بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ (27)
احصاء تمام چیزها در امام مبین؛ كُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ (12)	احصاء تمام چیزها در امام مبین؛ آیات 28 تا 32

جهت کشف معنای این عبارت با در پراگندگی قرار دادن پیش‌فهم‌های در ارتباط با این آیات، مفاهیمی که از این آیات پدیدار می‌شوند را استخراج می‌کنیم؛ این آیات حاکی از به سرانجام رساندن قوم رجل یسعی است. به سرانجام رساندن که تحت سلطه و سیطره قدرت‌مندانه خداوند به سهولت و با به کار گرفتن کم‌ترین اسباب ممکن صورت گرفته است. خداوند برای عذاب ایشان جنودی از آسمان نازل کرد و عذاب‌شان تنها با یک صیحه واقع شد. (یس، 28-29) این رفتار خداوند منحصر به قوم رجل یسعی نیست و به عنوان سنتی در تمام سیر بشری حاکم است و خداوند تمام انسان‌ها را نزد خویش حاضر خواهد کرد. (یس، 30-32) به ثمر و سرانجام رساندن، احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار و شمولیت و فراگیری سه مفهومی است که در این آیات به چشم می‌خورد. بنابراین مفهوم «احصاء تمام چیزها در امام مبین» فارغ از معنای هر کدام از اجزای سازنده آن، ترکیب یافته از این سه مولفه مفهومی است.

این سه مولفه مفهومی را می‌توان در آیات 26 و 27 سوره یس نیز ردیابی کرد؛ نخست آن‌که این دو آیه حاکی از به سرانجام رساندن رجل یسعی یعنی در بهشت قرار گرفتن او است. دوم آن‌که این کار به سهولت و تنها با «گفتن» در بهشت ساکن شو! انجام گرفته است. خداوند حتی به فاعل گوینده آن نیز اشاره نکرده و به ذکر یک فعل مجهول بسنده کرده است. سوم آن‌که این رفتار خداوند تمام افراد انذارپذیر قوم را - که البته تنها شامل یک نفر

است - دربرمی‌گیرد. در حقیقت آیات 26 تا 32 سوره یس، حاکی از احصاء دو گروه اندازپذیران و اندازناپذیران قوم رجل یسعی به عنوان یکی از مصادیق «کل شیء» در امام مبین است. جدول شماره (3) سه مولفه مفهومی «احصاء تمام چیزها در امام مبین» را در آیات 26 تا 32 سوره یس نشان می‌دهد.

جدول شماره (3): سه مولفه مفهومی «احصاء تمام چیزها در امام مبین»

در آیات 26 تا 32 سوره یس

مولفه‌های مفهومی	گروه اندازپذیران آیات 26 و 27	گروه اندازپذیران آیات 28 تا 32
به ثمر و سرانجام رساندن	در بهشت قرار گرفتن رجل یسعی؛ قیل اَدْخُلِ الْجَنَّةَ (26)	خاموش و فسرده شدن قوم؛ فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ (29)
احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار	در بهشت قرار گرفتن تنها با کلام واقع شد؛ قیل اَدْخُلِ الْجَنَّةَ (26)	عذاب تنها با یک صیحه واقع شد؛ إِنَّ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً (29)
شمولیت و فراگیری	گروه اندازپذیران قوم تنها شامل رجل یسعی بود؛ قیل اَدْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (26)	تمام قوم عذاب شدند؛ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ ... فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ (28-29)

بر این اساس می‌توان گفت قسمت اول سوره حاکی از ارسال رسول الله (ص) جهت انداز به «احصاء تمام چیزها در امام مبین» است. قسمت دوم سوره نیز اعمال مفهوم را در سیر بشریت در قالب مثال قوم رجل یسعی توضیح می‌دهد. البته افزایش میزان اعتبار این دستاورد و نزدیک شدن به ساختاری که تمام سوره یس را در بر گیرد، نیازمند بررسی فرازهای دیگر سوره است.

در بخش سوم آیات سوره یس، فضای بحث از بیان سرگذشت یکی از اقوام پیشین به توصیف آیات الهی در دنیا تغییر می‌کند. سرایت دادن الگویی که در بررسی دو قسمت اول سوره به دست آمد به بخش سوم سوره، اقتضا می‌کند که این دسته از آیات را بیان‌گر مفهوم

«احصاء تمام چیزها در امام مبین» در حیطة دنیا و طبیعت باشد.

مفهوم به ثمر و سرانجام رساندن در رویاندن دانه از زمین و تبدیل آن به گیاه قابل استفاده، تبدیل زمین مرده به زمین دارای باغ‌های سرسبز و چشمه‌ساران جاری که انسان از ثمر آن بهره‌مند شود در «آیه» اول، روان ساختن خورشید به سوی جایگاه خود، تعیین منزل‌گاه‌هایی برای حرکت ماه در «آیه» دوم و حرکت کشتی در دریا تا رسیدن به مقصد در «آیه» سوم نمایان است. احاطه قدرت خداوند نیز در این «آیه»ها قابل مشاهده است. قدرت بر زنده گرداندن زمین مرده، خلق ازواج از آن‌چه زمین می‌رویاند و از انسان‌ها و از آن‌چه انسان‌ها علمی به آن ندارند در آیه اول از آیات سه‌گانه، قادر نبودن خورشید برای رسیدن به ماه و عدم توانایی پیشی گرفتن شب بر روز و مقید بودن اجرام آسمانی بر مدار حرکت خود در آیه دوم و بیان این نکته که اگر خداوند می‌خواست آن‌ها که بر کشتی سوار هستند را غرق می‌کرد در حالی که هیچ فریاد رسی نداشتند در آیه سوم نشان دهنده احاطه قدرت خداوند در «آیه»هایی است که در این قسمت از سوره یس مورد اشاره قرار گرفته است.

سومین مولفه مفهوم «احصاء تمام چیزها در امام مبین» یعنی شمولیت و فراگیری نیز در این «آیات» سه‌گانه‌ای قابل ردیابی است. در آیه اول خداوند بعد از توصیف رویاندن یک دانه و تبدیل زمین مرده به زمین دارای باغ‌ها و چشمه‌ساران، آفرینش تمام ازواج را به خود نسبت می‌دهد؛ *سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا*. (یس، 36) در آیه دوم نیز خداوند بعد از توصیف نظام دقیق حاکم بر رفتار اجرام آسمانی، تمام اجرام آسمانی را بر مدار خویش شناور می‌داند؛ *كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ*. (یس، 40) در آیه سوم نیز خداوند به این موضوع اشاره می‌کند که تمام نیاکان انسان‌ها را در کشتی انباشته حمل کرده است؛ *حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ*. (یس، 41) بر این اساس می‌توان آیات بخش سوم از سوره یس را عهده‌دار توضیح مفهوم «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در حیطة آیات دنیا و پدیده‌های طبیعی دانست. جدول شماره (4) مولفه‌های مفهومی «احصاء تمام چیزها در امام مبین» را در بخش سوم سوره یس نشان می‌دهد.

جدول شماره (4): ردیابی مولفه‌های مفهومی «احصاء تمام چیزها در امام مبین»

در بخش سوم سوره یس

آیه سوم [آیات 41-44]	آیه دوم [آیات 37-40]	آیه اول [آیات 33-36]	مولفه‌های مفهومی
حرکت کشتی در دریا تا رسیدن به مقصد	روان ساختن خورشید به سوی جایگاه خود، تعیین منزل گاه‌هایی برای حرکت ماه	رویاندن دانه از زمین و تبدیل آن به گیاه قابل استفاده، تبدیل زمین مرده به زمین دارای باغ‌های سرسبز	به ثمر و سرانجام رساندن
قدرت بر غرق کسانی که بر کشتی سوار هستند در حالی که هیچ فریاد رسی ندارند	قادر نبودن خورشید برای رسیدن به ماه و عدم توانایی پیشی گرفتن شب بر روز و مقید بودن اجرام آسمانی بر مدار حرکت خود	قدرت بر زنده گرداندن زمین مرده، خلق ازواج از آن چه زمین می‌رویاند و از انسان‌ها و از آن چه انسان‌ها علمی به آن ندارند	احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار
حمل تمام نیاکان انسان‌ها را در کشتی انباشته؛ حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ	حرکت تمام اجرام آسمانی بر مدار خود؛ كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ	آفرینش تمام ازواج؛ سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا	شمولیت و فراگیری

حیطه دسته چهارم آیات سوره یس، قیامت و صحنه‌های عظیم آن است. در ابتدای این دسته از آیات، خداوند به توصیف شروع قیامت می‌پردازد که با دمیده شدن در صور، انسان‌ها از گورهای خود شتابان به سوی پروردگار می‌آیند. بعد از آن خداوند در آیات

55 تا 58 به بیان به سرانجام رساندن اهل بهشت می‌پردازد؛ «ایشان به شادمانی مشغول هستند و با ازواج خود زیر سایه‌های درختان بر تخت‌ها تکیه می‌زنند و از میوه‌ها و هر چه بخواهند بهره‌مند می‌شوند و سلام خداوند مهربان شامل ایشان می‌شود.» بعد از این آیات خداوند به بیان سرانجام مجرمان می‌پردازد که به جهنمی که به ایشان وعده داده شده، در می‌آیند. این بخش از آیات سوره یس حاکی از اولین مولفه مفهومی احصاء تمام چیزها در امام مبین یعنی به ثمر و سرانجام رساندن است. این آیات در تناظر با آیات 26 تا 32 که ابتدا سرانجام رجل یسعی را توصیف کرده و سپس به سرانجام انذار ناپدیدان قوم می‌پردازد، ابتدا به توصیف سرانجام خوبان در قیامت پرداخته و بعد از آن متعرض سرانجام بدان می‌شود.

دومین مولفه مفهومی نیز در آیات دسته چهارم به وضوح قابل مشاهده است. خداوند برپایی قیامت و به سرانجام رساندن انسان‌ها را به گونه‌ای توصیف می‌کند که احاطه قدرت بی انتهای او بر تمام این صحنه کاملاً نمایان است و او با به کار گرفتن کم‌ترین اسباب صحنه‌های قیامت را بر پا کرده و تحت کنترل و اداره شدید خود به پیش می‌برد. درست مانند نزول عذاب بر قوم رجل یسعی که نه با نزول لشکری از آسمان بلکه تنها با یک صیحه انجام گرفت، خداوند صحنه عظیم نفخ در صور و خروج انسان‌ها از گورها و حرکت به سمت پروردگار خویش را تنها به صیحه واحدی نسبت می‌دهد. صیحه‌ای که بعد از آن انسان‌ها حتی استطاعت وصیت و یا رجوع به اهل خود را نخواهند داشت. (یس، 50-49) اوج سیطره قدرت خداوند در توصیفی که از صحنه قیامت در این آیات ارائه شده، در آیه 65 سوره دیده می‌شود؛ «خداوند بر دهان‌های مجرمان مهر می‌نهد و دست‌ها و پاهای ایشان را به نطق در می‌آورد تا علیه ایشان شهادت دهند.» آیات 66 و 67 سوره نیز که حاکی از توان خداوند بر محو کردن نور دیدگان مجرمان و مسخ ایشان است به گونه‌ای که نه توان یافتن راه و نه توان حرکت بر آن را داشته باشند، استیلاء قدرت خداوند در صحنه‌های قیامت را ترسیم می‌کند.

فراگیری و شمولیت که سومین مولفه مفهومی «احصاء تمام چیزها در امام مبین» است نیز

در این دسته از آیات به چشم می‌خورد. خداوند صحنه قیامت را یک صحنه عمومی معرفی می‌کند که در آن تمام انسان‌ها در پیشگاه او گرد می‌آیند؛ هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُخْضَرُونَ. (یس، 53) جدول شماره (5) مولفه‌های مفهومی «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در بخش چهارم سوره یس را نشان می‌دهد.

بر این اساس الگو به دست آمده از مطالعه پدیدارشناسانه سوره یس تا پایان بخش چهارم قابل توسعه یافتن است. بخش‌های دو تا چهار این سوره به ترتیب به تبیین مفهوم محوری مطرح شده در بخش اول آن یعنی «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در حیطه سیر بشریت، پدیده‌های طبیعی و قیامت می‌پردازند.

جدول شماره (5): ردیابی مولفه‌های مفهومی «احصاء تمام چیزها در امام مبین»

در بخش چهارم سوره یس

آیات	مولفه‌های مفهومی
به سرانجام رساندن خوبان؛ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُونَ (55) هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأُرَائِكِ مُتَكُونَ (56) لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَ لَهُمْ مَا يَدَّعُونَ (57) به سرانجام رساندن بدان؛ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (63) اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (64)	به ثمر و سرانجام رساندن
برپایی قیامت با یک صبحه؛ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَبِيحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُخْضَرُونَ (53) مهر نهادن بر دهان‌ها؛ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَ تُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (65)	احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار
گرد آمدن تمام انسان‌ها؛ فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُخْضَرُونَ (53)	شمولیت و فراگیری

در آخرین دسته آیات سوره یس، خداوند خطاب خود را فراتر از قوم رسول الله (ص)، متوجه تمام انسان‌ها می‌کند؛ أَوْ لَمْ يَرَ الْإِنْسَانَ أَنَّا خَلَقْنَاهُ. (یس، 77) این قسمت از سوره

به احیاء مجدد انسان‌ها توسط خداوند که حاکی از سیر به سرانجام رساندن ایشان است، می‌پردازد. (یس، 79) آخرین جمله از سوره نیز سرانجام تمام انسان‌ها را بازگشت به سوی خداوند معرفی می‌کند؛ *إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ*. (یس، 83) خداوند با بیان مظاهر قدرت خود مانند آفرینش انسان از نطفه، پدید آوردن نخستین انسان، قرار دادن آتش در درختان سبز و در نهایت آفرینش آسمان‌ها و زمین خود را قادر بر خلق مجدد انسان، زندگی بخشیدن به استخوان‌های پوسیده او در مسیر حرکت دادن او به سمت سرانجام خود معرفی می‌کند. احاطه قدرت خداوند به حدی است که تمام کارها را به سهولت و با به کار گفتن کم‌ترین ابزار به مجرد اراده و به صرف گفتن «باش» انجام می‌دهد. (یس، 82-80) این قدرت خداوند در به سرانجام رساندن شمولیت و فراگیری داشته و ملکوت تمام چیزها به دست اوست؛ *بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ*. (یس، 83)

بنابراین سه مفهوم به ثمر و سرانجام رساندن، احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار و شمولیت و فراگیری، در این قسمت از سوره یس نیز به روشنی دیده می‌شود. خداوند در آخرین فراز از سوره، دامنه مخاطبان خود را از قوم عرب تا فراگرفتن تمام انسان‌ها گسترش داده و گستره مفهوم احصاء در امام مبین را نیز فراتر از سیر بشر، آیات الهی در دنیا و صحنه قیامت، حاکم بر تمام عالم معرفی می‌کند. به دلیل این گسترش حیطه مفاهیم در آخرین بخش سوره یس، می‌توان این بخش را به عنوان یک جمع‌بندی در نظر گرفت. در حقیقت کلی‌ترین و عالی‌ترین تبیین از مفهوم احصاء تمام چیزها در امام مبین در این قسمت از سوره قابل مطالعه است. جدول شماره (6) مولفه‌های مفهومی «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در بخش پنجم سوره یس را نشان می‌دهد.

جدول شماره (6): ردیابی مولفه‌های مفهومی «احصاء تمام چیزها در امام مبین»

در بخش پنجم سوره یس

آیات	مولفه‌های مفهومی
احیاء مجدد انسان‌ها بعد؛ <i>قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ</i> (79)	به ثمر و سرانجام رساندن

<p>بازگرداندن انسان‌ها به سوی خداوند؛ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (83)</p>	
<p>آفرینش انسان از نطفه؛ أَوْ لَمْ يَرِ الْإِنْسَانَ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ (77) قرار دادن آتش در درختان سبز؛ الَّذِي جَعَلْ لَكُمْ مِنْ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا (80) آفرینش آسمان‌ها و زمین؛ أَوْ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (81) انجام کار به صرف گفتن «باش»؛ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (82)</p>	<p>احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار</p>
<p>در دست داشتن ملکوت تمام چیزها؛ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ (83)</p>	<p>شمولیت و فراگیری</p>

3-3- تصویر کلی سوره یس

خداوند در سوره یس، رسول الله (ص) را به همراه قرآن کریم برای انذار قومی ارسال می‌کند که پدرانشان پیش از این انذار نشده بودند.¹ اما اکثریت این قوم این انذار را نمی‌پذیرند و تنها گروه اندکی از قوم ایشان که دارای دو صفت تبعیت از ذکر و خشیت نهانی از خداوند رحمان هستند، مخاطبان اصلی این انذار خواهند بود. در این سوره، رسول الله (ص) مامور گشته‌اند تا قوم خود را به موضوع خاصی انذار دهند؛ «احصاء تمام چیزها در امام مبین». موضوع محوری سوره یس، احصاء تمام چیزها در امام مبین است. این

1. با توجه به ساختاری که در این نوشتار از سوره یس ارائه شد، یکی از معضلات این سوره یعنی مقوله عدم انذار پدران قوم رسول الله (ص) پاسخ درخوری می‌یابد. مفسران بحث‌های فراوانی درباره عدم انذار این قوم پیش از رسول الله (ص) مطرح کرده‌اند و کوشش‌هایی جهت برطرف کردن تعارض این موضوع و آیاتی که برای هر قوم رسول و منذر قائل می‌شوند، کرده‌اند. (طبرسی، 651/8؛ فخررازی، 253/26؛ مدرسی، 96/11) اما با توجه به این پژوهش، انذار مطرح در سوره یس انذاری خاص به یک موضوع خاص است و مراد از عدم انذار قوم پیش از رسول الله (ص)، عدم انذار به این موضوع است. این بیان با ظاهر آیات سوره یس و سایر آیات پیرامون انذار اقوام هم‌خوانی قابل قبولی دارد.

موضوع در بخش اول سوره توضیح نمی‌یابد. بلکه خداوند چهار بخش بعدی سوره یس را به تبیین این موضوع عظیم و پر اهمیت، اختصاص می‌دهد. هر کدام از این بخش‌ها در حیطه‌ای خاص به تبیین این موضوع می‌پردازند. ابتدا خداوند سرگذشت قومی را روایت می‌کند و در آن مفهوم «احصاء در امام مبین» را در سیر بشریت توضیح می‌دهد. بعد از آن با بیان آیات الهی در دنیا، مفهوم احصاء در امام مبین را در پدیده‌هایی طبیعی تبیین می‌کند. در قسمت بعد نیز با توصیف قیامت و سرانجام انسان‌های مومن و کافر در آن، به گونه‌ای دیگر ترسیمی از مفهوم احصاء تمام چیزها در امام مبین را در قیامت ارائه می‌کند. آخرین بخش سوره به عنوان یک جمع‌بندی، این مفهوم را در سراسر پهنه عالم به تصویر می‌کشد. بر اساس این تبیین‌ها، مفهوم احصاء در امام مبین دارای سه مولفه مفهومی است؛ به ثمر و سرانجام رساندن، احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار و شمولیت و فراگیری. جدول شماره (7) موضوع محوری و موضوعات فرعی سوره یس را نشان می‌دهد.

جدول شماره (7): موضوع محوری و موضوعات فرعی سوره یس

موضوع محوری سوره؛ احصاء تمام چیزها در امام مبین		
بخش‌های سوره	محدوده آیات	موضوع اصلی بخش
بخش اول	12_1	انذار به «احصاء تمام چیزها در امام مبین»
بخش دوم	32_13	مفهوم «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در سیر بشریت
بخش سوم	47_33	مفهوم «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در پدیده‌های طبیعی
بخش چهارم	76_48	مفهوم «احصاء تمام چیزها در امام مبین» در قیامت
بخش پنجم	83_77	مفهوم «احصاء کل شیء در امام مبین» در سراسر عالم

4- نتایج مقاله

براساس این پژوهش نتایج زیر دست یافتنی است؛

1) رویکرد پدیدارشناسانه با تعلیق پیش‌فرض‌ها می‌تواند در نگاه ساختاری به سوره‌های قرآن کارآمد باشد. چرا که با زدودن پیرایه پیش‌فرض‌ها، عرصه‌ای را فراهم

می‌آورد تا بنای مستحکم و ساختارمند سوره در برابر پژوهش‌گر قرآنی خود را بنمایاند.

(2) کاربرست این رویکرد روشن می‌سازد آیات سوره یس به پنج بخش قابل تقسیم است. هر بخش از آیات، یک موضوع محوری داشته و در حیطه مشخص و متفاوت با حیطه سایر بخش‌های سوره به موضوع خود پرداخته است.

(3) این مواجهه پدیدارشناسانه معلوم می‌سازد که موضوعات این پنج بخش بی‌ارتباط با هم نبوده بلکه در یک نظام مشخص سامان یافته‌اند. به صورتی که از کل سوره یک پیکره واحد را به نمایش می‌گذارند که در آن تمام آیات سوره به گرد یک موضوع محوری چیدمان یافته و همه برای توضیح و تبیین ابعاد مختلف موضوع محوری سوره به استخدام درآمده‌اند.

(4) موضوع محوری سوره یس، «احصاء تمام چیزها در امام مبین» است. در بخش اول رسول الله (ص) مامور گشته‌اند تا قوم خود را به این موضوع انذار دهند. خداوند این مفهوم را در بخش دوم سوره در قالب بیان سرگذشت یک قوم در سیر بشریت تبیین می‌کند و در بخش سوم سوره با بیان آیات الهی در دنیا به توصیف آن در پدیده‌هایی طبیعی می‌پردازد و در بخش چهارم ترسیمی از این مفهوم در قیامت ارائه می‌کند. آخرین قسمت سوره نیز به عنوان یک جمع‌بندی، این مفهوم را در سراسر پهنه عالم به تصویر می‌کشد.

(5) بر اساس این تبیین‌ها، مفهوم احصاء در امام مبین دارای سه مولفه مفهومی است؛ (1) به ثمر و سرانجام رساندن، (2) احاطه قدرت و به سهولت انجام دادن کار و (3) شمولیت و فراگیری.

کتابشناسی

1. قرآن کریم
2. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1415 ق.
3. اسمیت، دیوید، پدیدارشناسی (دانش نامه فلسفه استانفورد)، ترجمه مسعود علیا، تهران، ققنوس، 1393 ش.
4. حسینی، علی اکبر، نظریه وحدت موضوعی سوره های قرآن؛ نگرش ها و چالش ها، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1394 ش.
5. ربانی گلیاگانی، علی، پدیدار شناسی ادموند هوسرل و هرمنوتیک، کلام اسلامی، شماره 42، صص 22 تا 41، 1381 ش.
6. ریخته گران، محمدرضا، مقالاتی در پدیدارشناسی، هنر و مدرنیته، تهران، نشر ساقی، 1389 ش.
7. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، 1407 ق.
8. زهاوی، دن، پدیدارشناسی هوسرل، ترجمه مهدی صاحبکار و ایمان واقفی، تهران، روزبهان، 1392 ش.
9. ساکالوفسکی، رابرت، درآمدی بر پدیدارشناسی، ترجمه محمدرضا قربانی، گام نو، تهران، 1395 ش.
10. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1417 ق.
11. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، 1372 ش.
12. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، 1412 ق.
13. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
14. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1420 ق.
15. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، 1364 ش.
16. مدرسی، سید محمدتقی، من هدی القرآن، تهران، دار محیی الحسین، 1419 ق.
17. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
18. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم، انتشارات بیدار، 1366 ش.

